



عمل‌گرایی راهبردی در اندیشه سیاسی امام خمینی

ابراهیم متقی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
ebrahim.motaghi@gmail.com

چکیده

انقلاب‌های سیاسی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد بوده و بر اساس الگوی کنش رهبران سیاسی خود معنا پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی ایران به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با اندیشه سیاسی و راهبردی امام خمینی پیوند یافته است. اندیشه‌های امام خمینی شکل خاصی از مدل‌های کنش انقلابی را در ساختار سیاسی ایران و نظام بین‌الملل به وجود آورد که بر اساس نشانه‌هایی از عمل‌گرایی راهبردی تفسیر می‌شود. چنین رویکردی به معنای آن است که تحولات سیاسی و کنش انقلابی ایران تحت تأثیر آموزه‌های ایشان به این دلیل روند پیروزی سیاسی و گسترش قدرت منطقه‌ای را پیدا نمود که بر اساس نشانه‌هایی از عمل‌گرایی بوده است.

عمل‌گرایی انقلابی نشانه‌هایی از کنش سیاسی مبتنی بر ابتکار عمل جهت کنترل فضای سیاسی و اجتماعی را منعکس می‌سازد. انقلاب اسلامی ایران همانند بسیاری از انقلاب‌های سیاسی به‌مثابه دگرگونی سریع، بنیادین و اثربخش در ساختار داخلی و محیط پیرامونی محسوب می‌شود. تحول انقلابی که توانست ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی و الگوی کنش راهبردی را تحت تأثیر قرار دهد. تغییر در نهادها، ارزش‌ها و فرآیندهای سیاسی در جوامع انقلابی نیازمند رهبرانی است که از قابلیت لازم برای عمل‌گرایی تاکتیکی و راهبردی برخوردار باشند.

پرسش اصلی مقاله مبتنی بر این گزاره است که: «الگوی رهبری سیاسی امام خمینی دارای چه ویژگی‌هایی بوده و چه تأثیری بر فرآیند انقلاب اسلامی به‌جا گذاشته است؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که: «رهبری انقلاب اسلامی مبتنی بر نشانه‌هایی از عمل‌گرایی راهبردی بوده و زمینه حفظ و تثبیت انقلاب اسلامی ایران را به وجود آورده است». در این مقاله از روش‌شناسی تفسیری استفاده شده و بیانگر آن است که هر یک از پژوهشگران می‌توانند الگوی خاصی از کنش انقلابی رهبران سیاسی را تفسیر نمایند. چارچوب نظری مقاله مبتنی بر «نهادگرایی مشارکتی رهبران انقلاب» بوده که منجر به افزایش میزان مشروعیت و کارآمدی سیاسی رهبران انقلاب می‌شود.

واژگان کلیدی: کنش انقلابی، نهادگرایی مشارکتی، مشروعیت سیاسی، کارآمدی، عمل‌گرایی راهبردی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان بازتاب شرایط محیط اجتماعی، تاریخی، منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. هدایت و مدیریت انقلاب‌های سیاسی در محیط‌هایی که از پیچیدگی ژئوپلیتیکی برخوردارند، کاری دشوار و پرمخاطره خواهد بود. رهبران انقلاب عموماً از درون مخالفین سیاسی دوران «رژیم پیشین» شکل می‌گیرند. بخش قابل‌توجهی از مخالفین سیاسی ایران مربوط به سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوده و آنان توانستند روندهای مقابله با نظام سیاسی وابسته به ایالات‌متحده را شکل دهند.

واقعیت آن است که پس از کودتای ۱۳۳۲، نشانه‌هایی از پرده آهنین به دور حوزه سیاست ایران کشیده شد. در این دوران تاریخی، کنترل سیاسی در ایران به‌گونه‌ای افزایش یافت که رهبران مخالف از پیروانشان، مبارزان سیاسی از توده مردم و احزاب سیاسی از پایگاه اجتماعی خود جدا شدند. در این دوران، سیاست مبارزه اجتماعی کم‌کم به سیاست مهندسی اجتماعی تبدیل شد. شاه این آرامش را نشانه رضایت مردم و مشروعیت رژیم خود تلقی می‌کرد. در این دوران پویایی‌های مبارزه اجتماعی به سیاست مهندسی اجتماعی تغییر می‌یابد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۵۵۴).

طیف گسترده‌ای از احزاب، سازمان‌ها و رهبران سیاسی در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ظهور پیدا کرده‌اند که هر یک از آنان دارای نشانه‌هایی از فرازوفروند سیاسی بودند. احزاب و مجموعه‌های سیاسی همانند حزب توده، نهضت آزادی، جبهه ملی و سازمان‌های چریکی درصدد بسیج گروه‌های اجتماعی بودند. در این فرآیند، نقاط عطف تاریخی همانند قیام ۱۵ خرداد و مخالفت امام خمینی با «کاپیتولاسیون» منجر به ارتقاء نقش سیاسی ایشان گردید. بسیاری از گروه‌های سیاسی ایران مواضع و الگوهای کنش سیاسی ایشان را مورد ستایش قرار دادند.

کنترل نیروهای اجتماعی و گروه‌های سیاسی ایران توسط سرویس‌های اطلاعاتی و انتظامی منجر به رادیکالیزه شدن حوزه سیاست در ایران گردید. برخی از گروه‌های سیاسی درصدد برآمدند تا نقش «آوانگارد انقلابی» را ایفا نمایند، درحالی‌که امام خمینی نقش سیاسی «رهبری جنبش اجتماعی و انقلابی» مردم ایران را عهده‌دار شدند. ویژگی‌های شخصیتی و الگوی کنش سیاسی ایشان به‌گونه‌ای بود که از قابلیت لازم برای همبسته‌سازی گروه‌های اجتماعی برخوردار بوده و این امر را می‌توان

اصلی‌ترین نشانه رهبری دانست که مبتنی بر «عمل‌گرایی انقلابی» بوده است. بسیاری از جریان‌های سیاسی ایران که در زمره گروه‌های اپوزیسیون سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قرار داشتند، بر ویژگی‌های شخصیتی و الگوی رفتار منحصر به فرد امام خمینی تأکید می‌کردند که نقش ایشان را در فضای همبسته‌سازی جریان‌های اجتماعی ناراضی برجسته می‌ساخت. در این ارتباط موضوعی به نام «مبارزات رهبران مذهبی» در اندیشه سیاسی گروه‌های انقلابی ظهور یافت. نهضت آزادی در بیان ویژگی‌های شخصیتی و کنش سیاسی امام خمینی به این موضوع اشاره داشتند که: «رهبران شیعه همواره در مبارزه با استبداد و امپریالیسم به یاری ایران شتافته‌اند. در روزهای انقلاب مشروطه، سال‌های بی‌روح و یأس‌آور خفقان رضاشاهی و قیام خونین خرداد ۱۳۴۲، علما در کنار توده‌ها بودند. آیت‌الله خمینی که از سال ۴۲ در تبعید به سر می‌برد، اکنون مهم‌ترین چهره مخالف رژیم است. ما تا جایی که بتوانیم برای همبسته ساختن مخالفان سیاسی و رهبران مذهبی به‌ویژه آیت‌الله خمینی تلاش خواهیم کرد. اگر یکپارچه شویم، این رژیم را سرنگون خواهیم ساخت» (نهضت آزادی، ۱۳۵۱: ۲).

در روند تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در سال‌های ۵۶-۱۳۳۲ نقش امام خمینی به دلیل مواضع و الگوی رفتاری که ایشان داشتند، ارتقاء پیدا کرد. ایشان چارچوب نظریه سیاسی خود را در سخنرانی‌های ایراد شده در نجف در اواخر دهه ۱۳۴۰ تدوین و با عنوان «ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی» منتشر نمودند. در این کتاب اندیشه سیاسی شیعه با ضرورت‌های اجتماعی ایران در دهه ۱۳۴۰ پیوند یافت. نشانه‌های عمل‌گرایی انقلابی در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی را می‌توان بر اساس تفاوت‌هایی که در کتاب «کشف اسرار» با «ولایت فقیه» تحلیل نمود. ایشان از سال ۱۳۴۲ به بعد به این موضوع اشاره داشتند که:

«مهم‌ترین وظیفه انبیاء^(ع) برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است. فقهای عادل‌اند که احکام اسلام را اجرا کرده نظامات آن را مستقر می‌گردانند... اجرای تمام قوانین مربوط به حکومت به عهده فقها است، چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، قانون‌شناسان و از آن بالاتر دین‌شناسان یعنی فقها باید متصدی آن باشند...» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۷۲-۷۰). فقها باید این افسردگی را از خود دور کرده، روش تبلیغات خود را تکمیل نموده و تصمیم به تشکیل حکومت اسلامی بگیرند. اگر توانستید مردم را بیدار و به مبارزه وادار کنید و دستگاه استبداد و

استعمار را به لرزه درآوردید، وقتی که موفق شدید دستگاه حاکم جائر را سرنگون کنید، یقیناً از عهده اداره حکومت و رهبری توده‌های مردم بر خواهید آمد (ر.ک: امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۵۸-۱۵۷).

اندیشه سیاسی و الگوی کنش مبارزاتی امام خمینی به گونه تدریجی تکامل پیدا کرد. ایشان توانستند به گونه تدریجی، گروه‌های اجتماعی را با خود هماهنگ سازند. مفاهیمی که ایشان برای بسیج گروه‌های اجتماعی به کار گرفتند با نشانه‌های «تبلیغ آگاهانه» پیوند داشته است. آبراهامیان به این موضوع اشاره دارد که آیت‌الله خمینی از لحاظ نظریه سیاسی و استراتژی مردم‌گرایی مذهبی خود، الگوی ابتکاری و نوآورانه را در الگوی کنش رقابت‌های سیاسی و هدایت گروه‌های اجتماعی را شکل داده و به کار گرفتند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۵۹).

۱. عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی در اندیشه و الگوی رفتاری امام خمینی

در نگرش برخی از نظریه‌پردازان انقلاب و تحول سیاسی همانند «هاگوپیان»، تحولات انقلابی به منزله فرآیندی عمیق، بحران‌ساز و طولانی محسوب می‌شود که تحول همه‌جانبه در یک یا چندلایه از جامعه سیاسی را شکل می‌دهد. مدل رهبری عمل‌گرایی انقلابی امام خمینی توانست اثر و موجودیت خود را بر ساختارهای ناشی از انقلاب و نظام اجتماعی ایجاد نماید. بسیاری از نشانه‌های رهبری عمل‌گرایی انقلابی را می‌توان در ماهیت و فرآیندهای نظام سیاسی جدید ایران مشاهده کرد. مدیریت و رهبری انقلاب اسلامی ایران به گونه‌ای شکل گرفت که بنیان‌های مذهبی را عامل همبستگی اجتماعی ساخت و آن را متمایز از شکل‌بندی‌های تحول انقلابی نمود. چنین رویکردی با آنچه را که هاگوپیان در مورد نظم سیاسی تحولات انقلابی بیان می‌دارد، هماهنگی دارد (Hagopian, 1974: 1).

در اندیشه سیاسی امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران به دلیل ریشه‌های تاریخی، نیروهای اجتماعی و مشخصه مبارزاتی رهبران سیاسی آن، سرآمد سایر انقلاب‌ها است. بر اساس چنین نگرشی، انقلاب ایران، هدیه خداوند و لطفی از عالم غیب است که به ملت ستم‌کشیده و چپاول‌شده ایرانی ارزانی شده است. واقعیت‌های ارائه شده از سوی نظریه‌پردازان انقلاب، تجربه و نشانگان انقلاب اسلامی، ماهیت متفاوت و متمایز آن نسبت به سایر انقلاب‌ها را منعکس می‌سازد. تا دهه ۱۹۷۰، تمامی انقلاب‌های شکل

گرفته در کشورهای پیرامونی، دارای ایدئولوژی سوسیالیستی و یا لیبرالیستی بوده‌اند. انقلاب ایران به لحاظ ایدئولوژی، رهبری و استراتژی متمایز از سایر انقلاب‌ها بوده و مشروعیت خود را بر اساس آموزه‌هایی به دست آورد که در اندیشه سیاسی امام خمینی انعکاس داشته است.

«مدل انقلاب اسلامی ایران دارای ویژگی‌های خاص خود است. این انقلاب، باب جدید از تحولات انقلابی غیرسوسیالیستی و غیرلیبرالی را ترسیم نمود. رهبران آن گام‌های بلندی برداشت تا کشور خود را به‌عنوان مدل سوم بین‌المللی انقلاب متمایز از سایر بلوک‌های قدرتمند نظام جهانی منعکس سازد. انقلاب ایران اولین انقلاب معنوی و ضدمادی‌گرایی عصر حاضر بوده و برای دستیابی به اهداف خود، مدینه فاضله اسلامی را ارائه داد. ایران تنها کشور انقلابی سال‌های ۸۰-۱۹۷۵ بود که سطحی مساوی از خصومت و تعارض نسبت به شرق و غرب را در رفتار خود نمایان می‌ساخت» (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

اولین ویژگی عمل‌گرایی انقلابی در رهبری امام خمینی را باید پیوند ایدئولوژی اسلامی با جنبش اجتماعی ایران دانست. ایجاد رابطه بین مذهب، کنش گروه‌های اجتماعی، اراده خداوند متعال و تحولات سیاسی در ایران را می‌توان در قالب نشانگان «هستی‌شناسی انقلاب اسلامی» دانست؛ انقلابی که در اندیشه رهبران آن با آزادی پیوند می‌یابد. آزادی آرمانی است که صرفاً با خواست خداوند تحقق می‌یابد. بر اساس چنین نگرشی، انقلاب ایران تجلی عدالت و قانون الهی خواهد بود که با نشانه‌هایی از روحیه قوی ضد استعماری پیوند یافته است. روندی که توانست زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری الگوی عدم تعهد انقلابی را در قالب نظریه «نه شرقی و نه غربی» شکل دهد.

دومین ویژگی عمل‌گرایی انقلابی را باید در بسیج گروه‌های اجتماعی در قالب جنبش مردم‌گرایانه‌ای دانست که با ایدئولوژی مذهبی پیوند یافته و زمینه لازم برای شکل‌گیری نشانه‌هایی همانند ایثار و از خودگذشتگی را فراهم می‌آورد. الگویی که توانست زیرساخت‌های لازم برای حفاظت از انقلاب ایران در روند تثبیت جمهوری اسلامی و مقابله با تهاجم خارجی در روند دفاع مقدس را فراهم سازد. چنین الگویی، بخش‌هایی از واقعیت کنش سیاسی رهبری انقلاب برای بسیج گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شد. روندی که توانست آثار خود را در حوزه اجتماعی و بین‌المللی به جا گذارد.

سومین ویژگی عمل‌گرایی انقلابی در گفتمان امام خمینی قابل درک است؛ گفتمانی که توانست اسلام سیاسی را به‌عنوان دال مرکزی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران

منعکس سازد. چنین رویکردی را می‌توان به‌عنوان بخشی از نشانه‌ها و سازوکارهایی دانست که زیرساخت‌های اجتماعی انقلاب سیاسی را شکل می‌دهد. در این فرآیند، نشانه‌هایی از آگاهی سیاسی در حوزه اجتماعی به وجود آمده که با ضرورت‌های اسلام سیاسی هماهنگی پیدا می‌کند. تحقق این امر را می‌توان در فضایی مشاهده نمود که زمینه‌های نهادسازی انقلابی را به وجود می‌آورد.

به‌طور کلی تأسیس و تثبیت نظام سیاسی جدید نیازمند نهادهایی است که با ضرورت‌های ایدئولوژیک و راهبردی یک انقلاب پیوند می‌یابد. چنین فرآیندی، بخشی از واقعیت‌های ظهور سامان سیاسی جدید محسوب می‌شود که زمینه لازم برای مشروعیت سیاسی و اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. به این ترتیب، فرآیندی ایجاد شد که موج‌های اجتماعی انقلاب با ایدئولوژی سیاسی پیوند یافت. نهادهای انقلاب توانست موج‌های اجتماعی را در جهت اهداف سیاسی کشور هدایت نماید. چنین فرآیندی زمینه تداوم انقلاب اسلامی برای چهار دهه را به وجود آورده است.

۲. گفتمان اسلام سیاسی و عمل‌گرایی انقلابی امام خمینی

گفتمان اسلام سیاسی محور اصلی کنش انقلابی و صدور انقلاب در اندیشه راهبردی امام خمینی را داشته است. چنین گفتمانی به مفهوم گذار از شکل‌بندی و ساختار قدرت‌محور سیاست جهانی محسوب می‌شد. اندیشه امام در دوران انقلاب معطوف به مبارزه سیاسی برای تغییر ساختار حکومت در ایران بود. تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را می‌توان اولین نشانه اسلام سیاسی برای مقابله با تهدیدات قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده تلقی می‌شود.

تسخیر سفارت آمریکا با قواعد «اقدام پیشگیرانه» در حقوق بین‌الملل هماهنگی داشته و زمینه واکنش نسبت به اقدام مداخله‌جویانه آمریکا در روند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محسوب می‌شود. از آنجایی که کودتای نظامی علیه دولت مصدق توسط سفارت ایالات متحده سازماندهی شد، بنابراین احتمال انجام اقدامات مداخله‌جویانه جدید علیه دولت انقلابی ایران نیز وجود داشت. به همین دلیل است که انقلاب ایران را می‌توان به‌عنوان نمادی از فرآیند مقابله با نظام سلطه دانست که برای خود در سیاست جهانی آزادی عمل کنش مداخله‌گرایانه قائل بوده است.

گفتمان بر اساس قالب‌های اندیشه‌ای و انگاره سیاسی رهبران و در پیوند با جامعه

شکل می‌گیرد. هر گفتمان مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و قالب‌های ساختار معنایی است که در یک دوران خاص زمانی ظهور یافته و در دوران‌های آینده با تغییراتی همراه خواهد شد. گفتمان سیاسی امام خمینی را می‌توان بر اساس مفاهیم، دال‌های شناور و مرکزی، قالب‌های معنایی و مدل‌هایی تبیین نمود که زیرساخت‌های لازم برای رهبری با مدل عمل‌گرایی انقلابی را امکان‌پذیر می‌سازد. قالب‌های معنایی هر گفتمان بر اساس نگرش «دیوید هورات» دارای ماهیت اجتماعی بوده که با انگاره‌های کنش رهبران پیوند می‌یابد (هورات، ۱۳۷۸: ۱۹۵).

۱-۲. نقد استبداد سیاسی حکومت پهلوی در عمل‌گرایی راهبردی امام خمینی
گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی با نشانه‌های عمل‌گرایی انقلابی پیوند یافته است. ظهور گفتمان امام واکنشی نسبت به گفتمان پهلویسم بود. گفتمانی که نشانه‌های آن را می‌توان در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تغییر تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی مشاهده کرد. برخی از تحلیلگران تحولات سیاسی ایران به این موضوع اشاره دارند که در سال ۱۳۵۵ گفتمان پهلویسم در اوج به نظر می‌رسید، گفتمان‌های مخالف همگی به حاشیه رانده شده بودند و صدای مخالفتی برنمی‌خاست.

گروه‌های سیاسی لیبرال همانند گروه‌های مارکسیستی از جمله حزب توده کم‌و بیش از یادها رفته بودند. گروه‌های لیبرال در ساختار اجتماعی ایران، نقش حاشیه‌ای ایفا می‌کردند. کنش سیاسی آنان محدود و مبتنی بر تلاش برای ارتقاء آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. سرنوشت رهبران گروه‌های مارکسیستی پرمخاطره‌تر و همراه با ابهام بود. در چنین شرایط و فضایی اعضای اصلی و رهبران این حزب بیشتر در اروپای شرقی و شوروی سرگردان بودند و با انتشار محدود مجله‌ها و بیانیه‌های حزبی هر چند وقت یک‌بار حضور خود را اعلام می‌کردند. برخی نیز با امضای توبه‌نامه از خوان پهلویسم بهره‌مند شدند و به خیل طرفداران رژیم پیوستند.

سرنوشت رهبران سیاسی لیبرال و مارکسیستی در ایران مبهم و حاشیه‌ای‌تر می‌شد. در چنین شرایطی گفتمان اسلام سیاسی با نشانه‌های جنبش اجتماعی پیوند داشت. جنبش اجتماعی انقلاب ایران بیش از آنکه دارای رویکرد لیبرالی مارکسیستی باشد، با قالب‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی پیوند خورد. طرح موضوع اسلام سیاسی را باید گذار از اندیشه مارکسیسم به عنوان علم انقلاب دانست. ایدئولوژی اسلامی با جنبش اجتماعی

ایران پیوند خورد، در حالی که بسیاری از هواداران و اعضای فعال حزب نیز در زندان به سر می‌بردند و برخی نیز به دنیای امن ادبیات و هنر پناه آورده و چراغ مارکسیسم را در حلقه روشنفکران و ادیبان روشن نگاه می‌داشتند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

واقعیت‌های کنش سیاسی امام خمینی بیانگر نشانه‌هایی از گفتمان‌سازی برای بسیج نیروهای اجتماعی در ایران بوده است. اصلی‌ترین ویژگی انقلاب ایران و تمایز آن با سایر انقلاب‌های دهه ۱۹۷۰ را باید در تاکتیک کنش انقلابی دانست که میشل فوکو از آن به‌عنوان اولین انقلاب پست‌مدرنیستی جهان یاد می‌کند. ادبیات، الگوی رفتاری رهبران، سازوکارهای کنش گروه‌های اجتماعی و تاکتیک‌های مرحله‌ای انقلاب ایران به‌گونه مشهودی با تمامی انقلاب‌های دهه ۱۹۷۰ متمایز به نظر می‌رسید. گفتمان انقلابی امام ماهیت عمل‌گرایانه داشت و بر این اساس توانست هزینه‌های انقلاب ایران را به‌گونه قابل توجهی کاهش دهد.

در سال‌های دهه ۱۳۵۰ گفتمان چپ نزد سرویس‌های امنیتی ایران به‌ویژه ساواک از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود. آن سال‌ها در کشمکش‌های گفتمانی ایران از حزب توده که شاه زمانی به شدت از آن وحشت داشت، خبری نبود و مدت‌ها طول کشید تا با پیروزی انقلاب، مارکسیست‌های کهنه‌کار توده‌ای به عرصه سیاست بازگردند. در چنین شرایطی اداره امور سیاسی و تحولات اجتماعی ایران نیازمند رهبری بود که از الگوهای مدیریت انقلاب اجتماعی برخوردار بوده و در این فرآیند، زمینه پیوند مؤلفه‌های هنجاری، قالب‌های ایدئولوژیک، ضرورت‌های مقابله ضدحکومتی و نقد الگوهای رفتار بین‌المللی در برخورد با جامعه ایرانی را فراهم می‌ساخت. در چنین شرایط و فرآیندی بود که ایدئولوژی عمل‌گرایی انقلابی به منزله تولید گفتمانی بود که نظام اجتماعی، ایدئولوژی سیاسی و الگوی کنش گروه‌های اجتماعی را با یکدیگر پیوند می‌داد.

۲-۲. گفتمان مبارزه در عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی امام خمینی

محور اصلی گفتمان امام خمینی در روند گسترش انقلاب اسلامی را باید بر اساس نشانه‌هایی از مبارزه اجتماعی دانست. گروه‌های اجتماعی با پایگاه طبقاتی و الگوی رفتاری خاص خود دارای الگوهای متفاوتی از کنش سیاسی بوده‌اند. ویژگی اصلی گفتمان عمل‌گرایی راهبردی امام خمینی را می‌توان بر اساس بسیج نیروهای اجتماعی

و کنش غیرخشونت‌آمیز دانست. تاکنون دربارهٔ هدایت فرآیند انقلاب غیرخشونت‌آمیز گاندی مطالب زیادی نوشته شده است، درحالی‌که افراد محدودی همانند فوکو، واقعیت‌های کنش تاکتیکی امام را در قالب «انقلاب پست‌مدرنیستی» و «روح جهان بی‌روح» تبیین نموده‌اند.

ویژگی گفتمان مبارزه در عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی امام را می‌توان تهییج گروه‌های اجتماعی برای مقاومت مدنی در برابر استیلای حکومت شاه دانست. امام خمینی با اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و پی‌درپی، مردم را به مبارزه تا سرنگونی رژیم تهییج می‌کرد و به کمتر از نابودی رژیم و برقراری حکومت اسلامی راضی نمی‌شد. شبکه‌ای گسترده از روحانیون و هیئت‌های مذهبی، پخش و توزیع اعلامیه‌ها و نوار سخنرانی‌های وی را در سراسر کشور بر عهده داشتند. سرعت انتقال پیام و تشکیلات منظم یاران امام بسیاری از ناظران را متعجب ساخته بود.

امام برخلاف دیگر مخالفان و حتی مراجع وقت، از همان ابتدا منشأ همهٔ مشکل‌ها و فسادهای دولت و کشتارها را شخص شاه دانست (ر.ک: صحیفه امام، ج. ۳، ص ۲۶۱)؛ و پس از نوزدهم دی‌ماه از همگان خواست تا به آن‌ها که دم از چارچوب قانون اساسی می‌زنند، تذکر اکید دهند که با این کلمه صحه بر رژیم سلطنتی فاسد موجود نگذارند که تا این دودمان فاسد بر مقدرات کشور حکومت می‌کنند، نه از آزادی و استقلال کشور خبری است و نه مردم روی سعادت می‌بینند (صحیفه امام، ج. ۵، ص ۱۳۹). هدایت فرآیند انقلاب با الگوی کنش غیرخشونت‌آمیز را می‌توان بخشی از راهبرد عمل‌گرایانه امام خمینی در روند پیروزی انقلاب اسلامی دانست.

تهییج گروه‌های اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلامی انجام گرفت. گفتمان اسلام انقلابی می‌توانست زمینه‌های بسیج نیروهای اجتماعی برای کنش انقلابی را به وجود آورد. اگرچه طیف گسترده‌ای از گروه‌های سیاسی مخالف رژیم شاه وجود داشتند، اما جامعهٔ ایران بر اساس ادبیات دینی خود نسبت به الگوی رفتاری امام خمینی نگرش مثبت و سازنده‌ای اتخاذ نمود. امام خمینی از آن پس آشکارا از حکومت اسلامی سخن گفت و از همهٔ جناح‌ها خواست که برنامهٔ خود را بر اسلام و حکومت اسلامی متکی کنند (صحیفه امام، ج. ۳، ص ۳۲۳-۳۲۴) و حمله‌های خود را به شخص شاه و اقدام‌های ضد اسلامی او متوجه سازند. ایشان همچنین به پیروان خود نوید داد که رژیم شاه آخرین نفس‌های خود را می‌کشد.

۳. قطبی‌سازی نظام اجتماعی در برابر رژیم پیشین

یکی از نشانه‌های اصلی عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی امام خمینی را می‌توان قطبی‌سازی نظام اجتماعی و دولت دانست. نظریه‌پردازان انقلاب به این موضوع اشاره دارند که رهبران انقلاب‌های سیاسی موفق عموماً از سازوکارهای مربوط به قطبی‌سازی استفاده می‌کنند. هانتینگتون به این موضوع اشاره دارد که انقلاب‌ها پدیده‌های کمیابی هستند. انقلاب مانند دیگر شکل‌های خشونت و ناستواری سیاسی در جوامعی رخ می‌دهد که نوعی تحول اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده باشند. هدف یک انقلابی دوقطبی کردن سیاست است و از همین رو او می‌کوشد از طریق یک خط فاصل میان نیروهای حامی توسعه و نیروهای ارتجاع، آن‌ها را در دو قطب متفاوت ترکیب کند. او می‌کوشد شکاف‌ها را انباشته کند و به انعطاف‌ناپذیری در سیاست دامن می‌زند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۹۸).

۳-۱. راهبرد کنش غیرخشونت‌آمیز و نافرمانی مدنی

بهره‌گیری از الگوهای همانند کنش غیرخشونت‌آمیز و نافرمانی مدنی از سوی امام خمینی زمینه لازم برای ظهور شرایطی را به وجود آورد که منجر به گسترش موج جنبش انقلابی در ایران گردید. سازوکارهای مربوط به کنش غیرخشونت‌آمیز منجر به کاهش هزینه‌های مشارکت سیاسی جامعه در فرآیند اعتراض نسبت به رژیم پیشین شد. نظریه‌پردازانی همانند چالمرز جانسون به این موضوع اشاره دارند که بهره‌گیری رهبران انقلاب از سازوکارهای کم‌هزینه همانند جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز، منجر به افزایش مشارکت می‌شود. تهییج گروه‌های اجتماعی بر اساس آموزه‌های اسلامی و قالب‌های آرمانی شکل گرفت. مفاهیم به‌کارگرفته شده از سوی امام معطوف به تهییج گروه‌های اجتماعی بر اساس ذهنیت آرمانی و انقلابی بوده است. چنین فرآیندی توانست زمینه افزایش مشارکت گروه‌های اجتماعی در روند مقابله با مشروعیت رژیم پیشین را فراهم سازد.

این امر زیرساخت‌های قطبی‌شدن ساخت سیاسی و اجتماعی را به وجود آورد. فرآیند قطبی‌سازی را می‌توان در استراتژی انقلاب مشاهده کرد. قطبی‌سازی به موازات کنش غیرخشونت‌آمیز نتایج و مطلوبیت‌های فراگیری برای انقلاب سیاسی ایران به جا گذاشت. نشانه‌های قطبی‌سازی بر اساس نافرمانی مدنی و تظاهرات مسالمت‌آمیز انجام گرفت. در بسیاری از راهپیمایی‌های بزرگ که در نظم و آرامشی کامل برگزار شد،

برای نخستین بار در سطحی گسترده، شعارهایی مبنی بر خواست جمهوری اسلامی، رهبری امام خمینی و در ضدیت با رژیم و شخص شاه مطرح شد.

۳-۲. آرمان‌گرایی عدالت‌محور در بسیج اجتماعی

روند قطبی‌سازی زمینه‌های لازم برای افزایش تضادهای جامعه و نظام سیاسی را امکان‌پذیر می‌ساخت. قطبی‌سازی زمانی به نتیجه مطلوب منجر می‌شد که روند تظاهرات مسالمت‌آمیز برای مقابله سیاسی با حکومت افزایش یافت. در این شرایط امام مردم را به ادامه مبارزه دعوت کرد و از حکومتی سخن گفت که بر مبنای اسلام تشکیل خواهد شد و چشم جهانیان را خیره خواهد کرد. هرگونه مشارکت اجتماعی شهروندان در روند انقلاب بر اساس مفاهیم اسلامی مطرح شد. امام خمینی از مفاهیمی همانند نجات ملت، ستمکاران و ظلم برای قطبی‌سازی جامعه در راستای متمایزسازی انقلاب از ساختار رژیم پیشین بهره گرفتند.

رویکرد امام خمینی برای بسیج گروه‌های اجتماعی بر اساس ادبیاتی امیدبخش شکل گرفت. ایشان به این موضوع اشاره داشتند که: «به امید خدا پیروزی و سرافرازی نزدیک است... تظاهرات کوبنده برای رسیدن به هدف اسلامی، عبادتی است که روزها و یا ماه‌ها را در آن اثری نیست، چراکه هدف، نجات ملت، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایه محکم عدل است... و هر نغمه‌ای که مخالف آن است- از هر حلقومی بیرون آید- شیطانی و به نفع ستمکاران حاکم و به ضرر اسلام و میهن است؛ و به حرف‌های فریبنده شاه دولت و طرفداران اندک آنان گوش ندهید که جز برای به دست آوردن فرصت شیطانی چیزی نیست... ما پس از رفتن پایگاه ظلم به برکت احکام مترقی اسلام، برنامه اساسی خود را اعلام می‌نماییم و در آن وقت خواهند دید که آنچه خائنین به اسلام نسبت داده‌اند- چه در موضوع حقوق اجتماعی زنان و چه حقوق اقلیت‌های مذهبی و چه سایر مسائل- جز تهمتی ناجوانمردانه چیزی نبوده است» (امام خمینی، صحیفه امام، ج. ۳: ۴۵۷-۴۵۵).

۴. گسترش جنبش اجتماعی و رادیکالیزه‌سازی تحول انقلابی

هدایت جنبش اجتماعی بر اساس الگوی کنش غیرخشونت‌آمیز در روند انقلاب اسلامی ایران به این دلیل حاصل شد که رابطه بین جامعه و امام به‌عنوان رهبر انقلاب

بر اساس اعتماد و الگوی مراد و مریدی شکل گرفته بود. نظام سیاسی در صدد بود تا زمینه کنترل فرآیند انقلابی را حاصل نماید. در این فرآیند، شاه هم‌زمان با اعلام دولت نظامی، در یک نطق تلویزیونی به فساد ساختار سیاسی اعتراف کرد و تعهد نمود از تکرار خطاهای گذشته بپرهیزد و بعد از برقراری نظم، انتخابات آزاد را برگزار نماید. او این جمله مشهور خود را گفت که «من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم».

۴-۱. عدم انعطاف‌پذیری در برابر اصلاحات شکلی رژیم پیشین

یکی از ویژگی‌های اصلی رهبری امام خمینی که باید در قاطعیت و عدم انعطاف‌پذیری مشاهده نمود. چنین انگاره‌ای توانست زمینه‌های لازم برای افزایش مشروعیت سیاسی رهبری را در فرآیند تحول انقلابی ایجاد کند. از آنجایی که انقلاب‌های سیاسی پدیده‌ای نادر و کمیاب در نظام‌های اجتماعی می‌باشند، طبعاً زمانی چنین انقلاب‌هایی به پیروزی می‌رسد که شرایط عینی و ذهنی وجود داشته باشد. هرگاه در فرآیند تحول انقلابی نشانه‌هایی از نقش‌یابی رهبری قاطع وجود داشته باشد، زمینه برای انسجام کنش الگویی به وجود می‌آید.

نطق و لحن ملت‌مسانه شاه، نشان از بحران عمیق دولت پهلوی داشت و رقیبان را به تشدید مبارزه برای نابودی آن تشویق کرد. امام خمینی نیز در پاسخ به سخنان شاه، تشکیل دولت نظامی و نطق شاه را توسل به سرنیزه و فریب برای بقاء دانست و به ضرب‌المثل مشهور فارسی استناد کرد که «توبه گرگ مرگ است» (صحیفه امام، ج. ۳، ص ۳۹۱)؛ و تأکید کرد که جنایت‌های شاه راه را بر هرگونه سازشی با وی بسته است. امام همچنین در اعلامیه‌ای که به مناسبت تشکیل دولت نظامی صادر کرد، اهداف مبارزه را سرنگونی رژیم شاهنشاهی و به پا داشتن حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام و متکی به آرای ملت اعلام کرد و وعده‌های اخیر رژیم را خدعه دانست (امام خمینی، صحیفه امام، ج. ۴: ۳۵۰-۳۴۹).

الگوی رفتاری امام خمینی در روند تحول انقلابی ایران مبتنی بر نشانه‌هایی همانند گسترش تضادهای جامعه و حکومت شاه بوده است. تغییر حکومت و تأسیس نظام اسلامی را می‌توان به‌عنوان بخشی از گفتمان انقلاب سیاسی در نگرش امام خمینی دانست. گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به رهبری امام در منازعه‌های سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ گوی سبقت را از دیگران ربود و به گفتمان برتر تبدیل شد. گفتمان‌های

برای موفقیت در دوره‌های بی‌قراری و منازعه‌های گفتمانی نیازمند عام‌گرایی، ابزارهای قدرت، اعتبار و قابلیت دسترسی هستند. در این دوره با سیاسی شدن گفتمان مذهبی سنتی، قدرت پشت‌گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی و اعتبار و قابلیت دسترسی آن افزایش یافت و در مرحله بعد این گفتمان با عام‌گرایی و استعاری شدن دامنه نفوذ خود را گسترش داد و از رقیبان پیشی گرفت. این قسمت به بررسی این فرآیندها اختصاص دارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۵۴).

روند رادیکالیزه‌شدن سیاست و جنبش اجتماعی ایران را می‌توان انعکاس ضرورت‌های تحول انقلابی دانست. به هر میزان که فرآیند تحول جنبش اجتماعی و سیاسی در ایران رادیکالیزه می‌شد، به همان میزان زمینه برای گرایش به ساختار اسلامی در دوران بعد از تحول انقلابی نیز افزایش پیدا می‌کرد. روند جدید نشان می‌دهد که امام خمینی از شرایط اجتماعی ایجادشده بهره گرفته و زمینه تغییر الگوی کنش و شکل‌بندی گفتمانی را به وجود آوردند. تا اوایل دهه ۵۰ بیشتر مراجع و روحانیان و به‌طور کلی گفتمان سنتی حاکم بر حوزه‌ها، از نابودی نظام سلطنتی و برقراری حکومت اسلامی سخن نمی‌گفتند، آنچه خواسته اصلی آنان را تشکیل می‌داد، در چارچوب قانون اساسی موجود امکان‌پذیر می‌نمود.

۴-۲. اسلامی‌شدن جنبش و رادیکالیزه‌شدن مطالبات سیاسی ایران

الگوی رفتار سیاسی امام خمینی معطوف به مخاطب قرار دادن گروه‌های اجتماعی بوده است. ایشان هرگونه تحول بنیادین در کشور را بر اساس نقش جامعه امکان‌پذیر دانسته و از سازوکارهای بسیج اجتماعی در دوران‌های مختلف مدیریت انقلاب بهره گرفته است. در دوران تحول اجتماعی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران، زمینه برای رادیکالیزه‌شدن مطالبات سیاسی از طریق پیگیری نظام سیاسی مذهب پایه حاصل گردید. رویکردی که با اندیشه بسیاری از فقهای شیعه در قالب معادله «دین و دولت در ایران» هماهنگی داشته است. حامد الگار چنین فرآیندی را بر اساس ذهنیت تاریخی نهاد دینی و رهبران دینی و پیوند آن با گروه‌های اجتماعی در ایران تبیین کرده است (الگار، ۱۳۵۵: ۷۳).

یکی از ویژگی‌های اصلی رهبری امام خمینی در قالب عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی را باید تبدیل گفتمان سنتی اسلام به اسلام سیاسی دانست. چنین فرآیندی

در روند گسترش جنبش اجتماعی و کنش غیرخشونت‌آمیز جامعه ایرانی تحقق پیدا کرد. در این فرآیند، بین مذهب و سیاست پیوندی مستحکم برقرار گردید و اسلام سیاسی تنها مذهب راستین و حقیقی تلقی شد و حکومت اسلامی به خواسته عام جامعه مذهبی تبدیل گردید. نیروهای اجتماعی حاشیه‌ای شده توانستند موقعیت خود را بازتولید کنند. طرد، تحقیر، سرکوب و به حاشیه راندن ارزش‌ها و باورهای مذهبی سنتی در سیاسی شدن گفتمان سنتی و منحل شدن آن در اسلام سیاسی فقهاتی بسیار تأثیرگذار بود.

روند انقلاب اجتماعی با نشانه‌های کنش غیرخشونت‌آمیز را می‌توان واکنشی مدنی نسبت به الگوی رفتاری و پارادایم‌های سیاست اجتماعی حکومت شاه دانست. از سال ۱۳۴۲ به بعد، نشانه‌هایی از نوسازی در دستور کار سیاست اجتماعی و اقتصادی ایران قرار گرفت. نوسازی بر اساس مدل مسلط بر نشانه‌هایی از سکولاریسم، شهری شدن و صنعتی شدن تأکید داشت. چنین نشانه‌هایی به منزله بی‌اعتنایی مسئولان به ارزش‌های دینی و اخلاقی، گسترش ابتدال و فساد در سطح جامعه، جشن‌های پرهزینه که در چارچوب گفتمان مذهبی مبتدل می‌نمود.

رادیکالیزه شدن سیاست و جنبش اجتماعی ایران اعتراضی به الگوهای رفتاری گذشته حکومت شاه تلقی می‌شد. اگرچه نظام سیاسی پهلوی توانست با گروه‌های مسلح مقابله نماید، اما نیروهای اجتماعی حاشیه‌ای شده به‌عنوان اصلی‌ترین پشتوانه انقلاب اسلامی محسوب می‌شد. ادبیات امام خمینی در مقابله با سنت‌های رفتاری و الگوهایی بود که توسط حکومت شاه در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مورد استفاده قرار می‌گرفت. برگزاری مراسمی چون جشن هنر شیراز که مغایر با ارزش‌ها و قاعده‌های پذیرفته شده جامعه ایرانی تلقی می‌شد، لغو تقویم مذهبی و جایگزینی تقویم شاهنشاهی که روحانیان آن را نماد زرتشتی‌گری به شمار می‌آوردند. تمام فرآیندهای یادشده در فضای جنبش اجتماعی سال‌های ۵۷-۱۳۵۶ زمینه مشروعیت‌یابی رهبری امام خمینی و رادیکالیزه شدن سیاست را به وجود آورد.

۳-۴. معنویت و مفاهیم آرمانی در گذار ساختاری

یکی از دلایل اصلی بسیج گروه‌های اجتماعی در ایران را می‌توان بر اساس مفاهیم و قالب‌های آرمانی دانست که در ذهنیت و اندیشه سیاسی جامعه ایرانی نهادینه شده

است. قالب‌های آرمانی و انگاره‌هایی که در زیرساخت‌های اندیشه سیاسی شیعه در قالب امامت و عدالت قرار دارد، در زمره مفاهیمی بود که زمینه گسترش بسیج نیروهای اجتماعی و افزایش انتظارات آنان را به وجود آورد. این امر بیانگر پیوند نشانه‌هایی از خاص‌گرایی اسلام سیاسی با عام‌گرایی جنبش اجتماعی ایران منجر به تشدید فرآیند تحول انقلابی گردید.

گفتمانی ظهور پیدا کرد که قالب‌های آرمانی را بر اساس نیازهای آینده جامعه تفسیر می‌کرد. گفتمان انقلاب اسلامی ایران به‌گونه‌ای تدریجی و در چارچوب بازنمایی انتظارات نهفته و سرکوب‌شده حاصل شد. گفتمان جدید مبتنی بر مفاهیمی همانند عدالت، آزادی و معنویت بود. فوکو به این موضوع اشاره دارد که ادبیات و مفاهیم به کار گرفته شده از سوی امام به‌منزله زایش روحی نو در جهانی بی‌روح و درمان دردهای بشریت مدرن و امیدی در جهانی پر از نومیدی به نظر می‌رسید. در این چشم‌انداز فرا مدرن، معنویت با عقلانیت درمی‌آمیخت و گونه‌ای نوین از حکومت پایه‌ریزی می‌گردید که در آن راهی برای معنویت در سیاست گشوده می‌شد و افقی جدید را فراروی جهان مدرن رها شده از معنویت قرار می‌داد (فوکو، ۱۳۷۹: ۶۱).

الگوی رهبری امام خمینی نه‌تنها زمینه بسیج گروه‌های اجتماعی در ایران را به وجود آورد، بلکه برای بسیاری از نظریه‌پردازان غربی به‌عنوان الگوی جدید کنش اجتماعی بر اساس آموزه‌های معنوی محسوب می‌شد. پیگیری عدالت بر اساس قالب‌های مفهومی، ارزشی و هنجاری انقلاب ایران بخشی از واقعیت‌های جنبش اجتماعی ایران محسوب می‌شد که به‌گونه تدریجی تحول پیدا می‌کرد. روندی جدید ایجاد شد که رابطه بین «معنویت و سیاست» را مستحکم می‌کرد. چنین انگاره‌هایی با تجربه‌های انقلاب‌های سیاسی جهان غرب که مبتنی بر خشونت بود، تمایز همه‌جانبه‌ای داشته است (فوکو، ۱۳۷۷: ۲۸).

۵. آرمان‌شهر انقلابی و استقرار نظام سیاسی

استقرار ساختار جدید بدون توجه به نشانه‌های کنش آرمانی حاصل نمی‌شود. کنش آرمانی انعکاس انتظارات نهفته و سازمان‌یافته‌ای است که در دوران بسیج اجتماعی شکل می‌گیرد. پیوند نشانه‌های بسیج اجتماعی با مؤلفه‌های آرمانی، زمینه شکل‌گیری آرمان‌شهر انقلابی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. فرآیندی که امام خمینی نسبت به روندهای ظهور و اثربخشی چنین فرآیندی واقف بوده و توانست رابطه معناداری بین

الگوی کنش اجتماعی و ضرورت‌های شکل‌گیری ساختار جدید را فراهم سازد.

۵-۱. موعودگرایی و نهادینه‌سازی اسلام سیاسی

تحقق اهداف و آرمان‌های انقلابی در هر کشوری دارای ریشه‌های تاریخی است. یکی از نشانه‌های مفهومی و معنایی نهادینه‌شده در ساختار و فرهنگ اجتماعی ایران را باید در قالب موعودگرایی تحلیل نمود. موعودگرایی با نشانه‌هایی از انتظار برای عدالت پیوند پیدا می‌کند. ادبیات سیاسی امام خمینی توانست انگاره‌های ذهنی نهفته در هنجارهای اجتماعی جامعه ایران را بازتولید نماید. آرمان‌شهری که مبتنی بر عدالت و حقوق لایه‌های مختلف اجتماعی باشد، می‌تواند زمینه استقرار و تثبیت نظام سیاسی جدید را به وجود آورد.

هرگاه شرایط عمومی برای تغییر نظام سیاسی و رژیم پیشین به وجود می‌آید، رهبران انقلاب در صدد سازماندهی ساختاری برمی‌آیند که بر اساس شعارها و نهادهای سیاسی جدید معنا پیدا می‌کند. طبیعی است که هر انقلابی در صدد خواهد بود تا آرمان‌شهر جدیدی را شکل داده و بر اساس نهادهای نوظهور از آن حفاظت نماید. فرآیند کنش سیاسی مبتنی بر عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی امام خمینی زمینه لازم برای تأسیس نظام سیاسی جدید بر اساس آموزه‌های اسلامی را فراهم آورد. آرمان‌شهر انقلاب اسلامی به میزان زیادی با آرمان‌شهر «جان‌میلتون» در کتاب «بهشت گمشده» همگونی داشته است.

در این مرحله تاریخی، تأسیس نظام سیاسی جدید بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفت. در نگرش امام خمینی اسلام مبنای حکومت بود و با توجه به جامعیت و الهی بودن قانون‌های اسلام، قانون‌های این حکومت بر دیگر قانون‌های بشری برتری داشت و در صورت عمل به آن، ایران به پیشرفته‌ترین جامعه‌ها تبدیل می‌شد. بنا به گفته امام، در قانون‌های اسلامی، آزادی، دموکراسی، رفاه، حقوق زنان و حقوق اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده و تمرکز قدرت و ثروت و دیکتاتوری در آن نفی شده است (صحیفه امام، ج. ۱۰، ۹۹-۹۸).

الگوی جدید مبتنی بر نشانه‌هایی از تعامل‌گرایی و تعادل در حوزه اقتصادی و راهبردی بود. آرمان‌گرایی نه تنها در حوزه سیاست اجتماعی، اقتصادی، قومی و هویتی در حوزه داخلی انعکاس داشت بلکه نشانه‌های آن را می‌توان در عرصه

روابط خارجی بر اساس استقلال و احترام متقابل نسبت به کشورهای خارجی دانست. نشانه‌های آرمان‌شهری تأسیس ساختار جدید را می‌توان بر اساس بهینه‌سازی زندگی اجتماعی و اقتصادی تمامی شهروندان جست‌وجو نمود. ادبیات به کار گرفته شده تأکید بر برطرف‌سازی نابرابری، توزیع عادلانه ثروت، رفاه بیشتر برای تهیدستان و در نهایت توجه به حقوق زنان و اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی دانست.

تحقق چنین اهدافی کاری دشوار برای ساختار سیاسی جدید محسوب می‌شد. آرمان‌شهری انقلاب اسلامی، امید جامعه ایران به تحقق چنین اهدافی را فراهم ساخت. در این دوران، گروه‌های سیاسی رقیب درصدد بودند تا آرمان‌شهرهای جدیدی را در برابر جامعه ایرانی ارائه دهند. بسیاری از مفاهیم و امیدهای جدید ریشه در «فرهنگ انتظار و اعتراض» داشته است. نتیجه ساختار مبتنی بر تنوع قالب‌های گفتمانی آرمان‌گرایانه را می‌توان ظهور تضادهایی دانست که منجر به رویارویی گروه‌های رقیب در ساختار انقلاب گردید.

۵-۲. نظام کمال مطلوب در ساختار سیاسی جدید

طراحی نظام کمال مطلوب یکی دیگر از ویژگی‌های رهبری امام خمینی محسوب می‌شود. قالب‌های هنجاری و معنایی چنین نظام و ساختاری در فرهنگ دینی جامعه ایران نهادینه شده بود. اعتماد جامعه به علما و مراجع تقلید می‌توانست زمینه همبسته‌سازی آنان با اهداف سیاسی امام خمینی برای تأسیس ساختار جدید را به وجود آورد. تمامی گروه‌هایی که برای مقابله با حکومت شاه متحد و یکپارچه بودند در عصر جدید تلاش داشتند تا مزیت نسبی خود را برجسته ساخته و دیگری را به عدول از آرمان‌های پیش‌بینی شده متهم سازند.

در رویکرد ارائه شده از سوی امام خمینی، رهبران نظام سیاسی الگویی از دموکراسی ارائه می‌دهند که کامل‌تر از نظام‌های فعلی در غرب و جهان امروز باشد؛ نشانه‌های آرمان‌گرایی به‌گونه‌ای بود که این نظام با الگو گرفتن از حکومت امام علی^(ع) بر رهبران شایسته، متخصص و منتخب مردم شکل خواهد گرفت. تمامی شهروندان امیدوار بودند که زمامداران آن به ثروت‌اندوزی مشغول نخواهند شد و استیضاح و پرسش از آن‌ها، حق هر فرد از مردم است و در این صورت، آن‌ها باید پاسخگو باشند.

در عرصه سیاست خارجی و روابط اقتصادی بین‌المللی بر ضرورت گذار از سلطه

بیگانه در حوزه اقتصادی و سیاسی تأکید شده بود. نگرش توحیدی در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی مورد تأکید قرار گرفت. چنین رویکردی به مفهوم اجتناب از شرک سیاسی، اقتصادی و راهبردی بوده است. نشانه‌های آرمان‌شهری به گونه‌ای شکل گرفته بود که همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی، در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند. همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است و ضوابط و معیارهای متعالی انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است (امام خمینی، صحیفه امام، ج. ۵: ۸۱).

نشانه‌های آرمان‌شهری برای تأسیس ساختار جدید از این جهت مورد پذیرش جامعه قرار گرفت که آنان برای نخستین بار رهبر بزرگی را دیدند که به زبان آن‌ها سخن می‌گوید، حرف دل آنان را می‌زند، خود را متواضعانه خادم آنان می‌داند و بسیار ساده و زاهدانه و به شیوه اکثریت مردم زندگی می‌کند. برای مردمی که سال‌ها تحقیر دولتمردان داخلی و استعمارگران خارجی را تجربه کرده بودند، امام با اعلامیه‌هایی که آکنده از شور، حماسه، افتخار و غرور بود، پیام‌آور عزت و سربلندی تلقی می‌شد. گویا او همان منجی موعودی بود که از جهانی دیگر می‌آمد تا روح نومید و سرخورده ایرانی را که از آغاز قرن نوزدهم و از زمان عهدنامه ترکمانچای جز شکست و تحقیر چیزی ندیده بود، درمان کند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶۴).

نتیجه‌گیری

عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی دارای نشانه‌هایی است که در فرآیند تحول ساختار سیاسی ایران انعکاس داشته است. نشانه‌های اصلی عمل‌گرایی را می‌توان بر اساس رابطه بین هزینه و فایده هرگونه تصمیم‌گیری دانست. الگوی هزینه و فایده در دوران‌های مربوط به تحول انقلابی بر اساس بسیج حداکثری گروه‌های اجتماعی و قطبی کردن مطالبات با رژیم پیشین حاصل گردید. نشانه دیگری از سازوکارهای مربوط به کنش عمل‌گرایانه در فرآیند دفاع مقدس شکل گرفته و آثار خود را در روند پایان دادن به جنگ مشاهده می‌شود.

نشانه‌های اصلی عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی امام خمینی مبتنی بر سازوکارهایی بود که در مرحله اول زمینه بسیج گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌ساخت. در مرحله

دوم گروه‌های اجتماعی بسیج شده در چارچوب گفتمان اسلام سیاسی به کنشگری مبادرت نموده و توانستند روند تحولی جدیدی را در چارچوب مقاومت مدنی و کنش غیرخشونت‌آمیز شکل دهد. مدیریت جنبش‌های اجتماعی از این جهت اهمیت دارد که می‌بایست مبتنی بر مفاهیم آرمانی، تاکتیک‌های عمل‌گرایانه و راهبردی غایت‌گرایانه استوار باشد.

پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس تاکتیک کنش غیرخشونت‌آمیز از این جهت ماهیت عمل‌گرایانه دارد که هزینه‌های اجتماعی و انسانی پیروزی یک انقلاب را به حداقل ممکن کاهش داد. در روند استقرار ساختار جدید نیز گروه‌های رقیب در وضعیت حاشیه‌ای قرار گرفتند. کنترل گروه‌های اسلام‌گرا، مارکسیستی و ملی‌گرا کاری دشوار در روند ساختارسازی بوده است. هر یک از گروه‌های یادشده الگوی خاصی را برای سازماندهی نظام جدید پیشنهاد می‌کردند.

تأسیس ساختار جدید بر اساس آموزه‌ها، اهداف و الگوهایی شکل گرفت که با روح ایرانی مبتنی بر نشانه‌هایی از آرمان‌شهری و ایران‌شهری پیوند داشت. کاریزمای امام خمینی نشانه‌هایی از ایران‌شهری دوران قبل از اسلام را منعکس می‌ساخت. رهبری که دارای فرایزدی بوده و از قابلیت لازم برای کنترل گروه‌های رقیب برخوردار است. رهبری که هدایت فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و راهبردی را در روند شکل‌گیری انقلاب و تأسیس ساختار جدید به‌گونه‌ای انجام داد که کمترین هزینه انسانی، اجتماعی و راهبردی را داشته باشد. مقابله با تهدیدات در دوران بعد از شکل‌گیری نهادهای سیاسی جدید بر مبنای نشانه‌های دیگری از بسیج گروه‌های اجتماعی بود. مقابله با گروه‌هایی همانند منافقین و حمله نظامی عراق به ایران بر اساس فعال‌سازی پتانسیل گروه‌های اجتماعی انجام پذیرفت. بخش قابل توجهی از الگوی کنش گروه‌های بسیج شده در روند مقابله با تهدیدات بر اساس مشارکت خودانگیخته حاصل گردید. به همین دلیل است که الگوی مشارکت در روند مقابله با رژیم پیشین، تأسیس نظام سیاسی و مقابله با تهدیدات بر مبنای کنش داوطلبانه پیروان و شهروندان شکل گرفت. مشارکت خودانگیخته زمینه تحقق قالب‌های آرمانی را افزایش داد. به همین دلیل است که آرمان‌گرایی بخشی از مشروعیت ساختار سیاسی محسوب می‌شود که پتانسیل جامعه برای مقابله با تهدیدات را افزایش داد.

مدیریت ساختار سیاسی نیز بر اساس نشانه‌های دیگری از عمل‌گرایی انقلابی انجام

پذیرفت. امام خمینی برای کاهش تضادهای سیاسی و ساختاری نخبگان، «مفهوم مصلحت» (صحیفه امام، ج. ۲۱، ص ۲۱۷) را مورد تأکید قرار داده و بر اساس چنین رویکردی زمینه برای شکل‌گیری «مجمع تشخیص مصلحت نظام» فراهم گردید. مفهوم مصلحت در فقه سیاسی امام خمینی از این جهت اهمیت دارد که محور اصلی تصمیم‌گیری ساختار سیاسی را بر اساس «ضرورت‌های حفظ نظام سیاسی» تبیین می‌کند.

رویکرد عمل‌گرایانه امام خمینی با قالب‌های «ساختارگرایی» پیوند یافته است. گزاره‌ای که از سوی امام خمینی درباره ضرورت حفظ نظام سیاسی به‌عنوان اوجب واجبات مطرح شد را می‌توان نشانه‌ای دیگر از عمل‌گرایی انقلابی و راهبردی دانست. شکل‌گیری ساختار جدید بر اساس نشانه‌هایی از اسلام سیاسی در نگرش امام خمینی صرفاً در شرایطی حاصل می‌شود که مبتنی بر نشانه‌هایی از انعطاف‌پذیری باشد. انعطاف‌پذیری را باید در زمره عواملی دانست که زمینه تداوم ساختار سیاسی را فراهم می‌کند.

بخش قابل‌توجهی از تصمیمات سیاسی و راهبردی امام خمینی مبتنی بر انعطاف‌پذیری برای تقویت و حفظ ساختار سیاسی بوده است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر اساس چنین انگاره‌ای حاصل شد. انعطاف‌پذیری ساختاری بر اساس نشانه‌هایی از مصلحت‌گرایی را باید به‌عنوان تلاشی هوشمند و مبتنی بر حکمت مقابله با تهدیدات از طریق کاهش مطالبات دانست. چنین رویکردی به مفهوم آن است که تکلیف‌گرایی بیش از آنکه مبتنی بر نشانه‌هایی از ارتدوکس آیینی باشد، بر اساس نشانه‌هایی از انعطاف‌پذیری راهبردی عمل‌گرایانه حاصل شده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۱). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه: احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ هجدهم، تهران: نشر نی.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۹). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خمینی، روح‌الله (امام). *ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. ج. ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. ج. ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، ج. ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۷). *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟*. ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران: نشر هرمس.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹). *ایران، روح یک جهان بی‌روح*. ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهانگیری، تهران: نشر نی.
- الگار، حامد (۱۳۵۵). *دین و دولت در ایران*. ترجمه: ابوالقاسم مهدی، تهران: انتشارات توس.
- نهضت آزادی (۱۳۵۱). *مبارزات رهبران مذهبی*. مجاهد، شهرپور.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- هورات، دیوید (۱۳۷۸). *نظریه گفتمان در دیوید مارش و جری استوکر (ویراستار)*، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Hagopian, M (1974). "The Phenomenon of revolution". New York: Dodd, Mead and Co.